



## آموزشی حسابداری؛

# ضعف سیستم آموزشی

### سایبرسا

سرکار عالی چند سال اخیر حضور مؤثری در محیط آموزش دانشگاهی داشته‌اید و مبتکر فعالیتهای آموزشی تازه بوده‌اید؛ لطفا خوانندگان مجله را درباره فعالیتهای دانشگاهیتان و برنامه‌هایی که دنبال کرده‌اید، مطلع فرمایید.

### دکتر دیانتی

ابتدا اجازه می‌خواهم خدمت خوانندگان ارجمند مجله حسابرس سلام عرض کرده و برای همگی به‌خصوص دانشجویان عزیز روزهای خوب و بانشاط داشته باشیم. باید عرض کنم سرگذشت دانشگاهی اینجانب در فعالیتهای دانشگاهی که بعد از پیوستن به هیئت علمی دنبال کرده‌ام، خاطره‌های بسیار به همراه دارد که در روند آن بی‌تأثیر نبوده است.

من نیز همانند بیشتر دانش‌آموزان رشته علوم تجربی به شوق رشته پزشکی در کنکور سال ۱۳۷۶ شرکت کردم که در دانشگاه آزاد تهران، رشته پزشکی و نیز مهندسی برق و الکترونیک (تهران مرکز) قبول شدم و در کنکور دولتی آن سال نیز، رشته حسابداری دانشگاه تهران پذیرفته شدم. تقدیر این‌گونه رقم خورد که به دانشگاه تهران بروم و حسابداری بخوانم. بدین ترتیب شوق پزشکی، از رشته حسابداری سر در آورد!

هفته‌های اول حضورم در کلاسهای حسابداری دانشگاه تهران که آن زمان دروس تخصصی‌اش به زبان انگلیسی برگزار می‌شد، در سردرگمی و کلافگی گذشت و مباحث این رشته را بسیار دور از خواسته‌ها و علاقه‌های خودم می‌دیدم. به‌خصوص این‌که استاد درس اصول حسابداری ۱، تنها به ترجمه صرف متن کتاب انگلیسی آن هم به‌وسیله دانشجویان اکتفا می‌کرد و هیچ توجهی به تدریس و تفهیم موضوعهایی که ما برای اولین بار در عمرمان با آنها برخورد می‌کردیم، نداشت.

## گفتگو با

خانم دکتر زهرا دیانتی دیلمی

عضو هیئت علمی

دانشکده علوم مالی دانشگاه خوارزمی

این دوره‌ها آموزش داده و مطرح کنند.

چون پرسش شما درباره فعالیتهای دانشگاهی و برنامه‌هایی بوده که دنبال کرده‌ام، مستقیم می‌روم سراغ اصل مطلب. راستش را بخواهید با دیدن ضعفهای آموزشی کشور اولین ایده‌هایی که به ذهنم رسید این بود که در دانشگاه علوم اقتصادی سابق (خوارزمی فعلی) اقدام به راه‌اندازی مرکزی به نام «مرکز ترویج دستاوردهای حسابداری» کنم که برای گرفتن مجوز راه‌اندازی چنین مرکزی جلب اطمینان و اعتماد مسئولان دانشگاه کار ساده‌ای نبود. ولی بحمدالله مسئولان آن وقت دانشگاه علوم اقتصادی افرادی بلندنظر و علمی بودند که آنها هم دغدغه توسعه داشتند و چنین شد که این مرکز در سال ۱۳۹۰ راه‌اندازی گردید.

در این مرکز سعی کردم تا با همکاری دوستانی همچون خانم **سونوا ولی پور** و دیگر استادانی که در دانشکده علوم مالی دانشگاه علوم اقتصادی در خدمتشان بودیم و در اینجا لازم می‌دانم از همگی آنها تشکر کنم، مانند آقای **مزدک کاظم زاده**، دکتر **ابراهیم ابراهیمی**، آقای **فرزانی** و ...، کارگاه‌ها و نیز دوره‌های آموزشی برگزار کنیم که دانش‌آموختگان رشته حسابداری را آماده ورود به بازار کار کند.

همان‌گونه که مستحضر هستید براساس تحقیقهای انجام‌شده، یکی از ایرادهای سیستم آموزش حسابداری ما این است که با تأسف، دانش‌آموختگان ما توانایی و مهارتهای لازم برای در دست گرفتن کارهای اجرایی حسابداری را ندارند. از اینرو، ضروری دانستیم با برگزاری دوره‌هایی همچون دوره حسابداری عملی، دوره کاربرد اکسل در حسابداری، آشنایی با نرم‌افزارهای حسابداری و ... این ضعف را به‌نوعی برطرف سازیم که در این کار نیز موفق بودیم.

از سوی دیگر به‌خاطر ضعف اصلی که در ابتدا به آن اشاره کردم و در حسابداری بخش عمومی بیشتر نمود دارد، با کمک استاد عالیقدر جناب آقای دکتر **باباجانی**، کارگاهی دو روزه با عنوان «کارگاه دانش‌افزایی حسابداری بخش عمومی» برای مدرسان و شاغلان حسابداری در بخش عمومی برگزار کردیم که فیلمهای آن هنوز هم مورد استقبال مخاطبان این بخش است.

اقدام دیگری که انجام دادیم در خصوص به‌روزرسانی

حتی یاد می‌آید چندین بار برای تغییر ذائقه کلاس، خاطرهای تکراری را در خصوص شرکت ایران خودرو تعریف می‌کرد که اصلاً برای ما دانشجویان ترم اولی قابل درک نبود. به‌خصوص وقتی که در این میان بارها از کلمه «سربار» استفاده می‌کرد. راستش را بخواهید من آن زمان فکر می‌کردم سربار، یعنی آدمی که وبال جامعه است. برای همین یک بار در حالی که ایشان برای چندمین بار داشتند این داستان تکراری را بیان می‌کردند، اجازه گرفتم و گفتم: «استاد! ما تصورمان از سربار، آدمی است که وبال جامعه است، برای همین نمی‌توانیم منظور شما را متوجه شویم.» ایشان هم هر چه بیشتر توضیح دادند موضوع پیچیده‌تر شد؛ مانند ماجرای فرد نایبایی که میوه‌ای به او داده‌اند و می‌گویند این سیب است. او می‌پرسد: سیب چیست؟ برایش شرح می‌دهند سیب میوه‌ای است شبیه پرتقال با این تفاوت که رنگ آن نارنجی نیست. او باز پرسید نارنجی چه رنگی است؟ و این داستان تا به آخر ادامه دارد. در واقع، کلمه سربار برای ما نیز که هنوز مفهوم اولیه هزینه را نمی‌دانستیم، مصداق همین داستان را داشت. زیرا ایشان خواستند این مفهوم را با عبارت هزینه‌های غیرمستقیم کارخانه پاسخ دهند که باز ما مفهوم هزینه مستقیم و غیرمستقیم را نمی‌دانستیم و تا به آخر این توضیحات به همین روال ادامه داشت.

باز به خاطر می‌آورم که همین استاد در مقطع کارشناسی ارشد نیز همین مثال ایران خودرو را در درس تئوری‌های حسابداری مطرح می‌کردند که اصلاً ارتباطی با موضوع درس نداشت. مثال‌هایی که برایتان برشمردم نشان‌دهنده ضعفهای سیستم آموزشی ما است. گاهی دیده‌ام برخی استادان همان مطالبی را که در مقطع کارشناسی درس می‌دهند، در مقطع کارشناسی ارشد نیز تکرار می‌کنند و اصلاً به فکر به‌روزرسانی و ارتقای مطالب نیستند که این ایراد به ما استادان وارد است. پیشنهادی که برای رفع این مشکل دارم این است که وزارت علوم با اجباری کردن شرکت استادان در دوره‌های دانش‌افزایی (که تخصصی باشد و نه عمومی) و محول کردن مسئولیت اجرای این دوره‌ها به انجمنهای علمی هر رشته، این نقیصه‌ها را به‌نوعی جبران کند؛ به‌خصوص با دعوت از استادان مطرح جهانی که آخرین دستاوردهای علمی و آموزشی جهان را در

حقیقت قرار بود دو سال پیش منتشر شود، اما به دلیل تغییرهای مکرر مدیریت دانشگاه علوم اقتصادی و دیگر موارد مسکوت مانده بود. به هر حال این مجله با ساختار علمی پژوهشی آماده دریافت مقاله‌های علمی پژوهشی محققان ارجمند است.

## سازمان

**با توجه به پیشرفت‌های حسابداری در جهان، برنامه درسی حسابداری در دانشگاه‌های ایران تا چه اندازه پاسخگوی نیاز دانش‌پژوهان است؟ چه کاستی‌هایی دارد و چه راهکارهایی برای برطرف کردن کاستی‌های احتمالی وجود دارد؟**

### دکتر دیان‌تی

از به‌روز نبودن برنامه‌های درسی که بگذریم که معتقدم هر دو سال یکبار برنامه‌های درسی باید به‌روزرسانی شود، بی‌گمان لازم است در دانشگاه‌هایمان دروس به‌صورت کار عملی (استفاده از اسناد مثبت و واقعی و ثبت در دفاتر روزنامه و کل و ...)، با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی و با استفاده از ابزار کمک‌آموزشی مانند فیلمها و ... تدریس شوند.

جالب است وقتی کتابهای آموزشی آمریکایی را تهیه می‌کنیم می‌بینیم همراه کتاب، لوح فشرده‌ای هم هست که در آن گاهی فیلمهای آموزشی مرتبط با هر مبحث درسی کتاب آورده شده و یا پوشه‌ای در آن است که فایل صوتی خلاصه هر فصل در آن وجود دارد و به دانشجوی این امکان را می‌دهد که حتی وقتی سوار وسیله نقلیه هم هست، بتواند به این فایل‌های صوتی گوش داده و درسها را مرور کند. جالبتر این است که یک نام کاربری و گذرواژه همراه هر کتاب به خریدار آن داده می‌شود تا بتواند با مراجعه به مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی مختص آن کتاب، از آخرین مسائل، تمرینها، و تغییرهای مربوط آگاه شده و از آنها بهره ببرد. کتابها گاهی دارای دو مکمل دیگر هم هستند؛ یکی کتاب راهنمای تدریس آن کتاب که تنها در اختیار استادان مربوط قرار می‌گیرد و دیگری کتاب راهنمای دانشجویان که دربرگیرنده خلاصه درس، تمرینها، تستها و مواردی از این دست است که درک مطالب کتاب اصلی را برای دانشجو آسانتر می‌کند. از اینروست که پیشنهاد می‌کنم وسایل کمک آموزشی در ایران تقویت شود.

پیشنهاد مهمتری که دارم این است که وزارت علوم نقش

سرفصل دروس کارشناسی حسابداری با گرایش مالیاتی و نیز گرایش حسابرسی بود که با برگزاری جلسه‌های متعدد با استادان باسابقه و مطرحی که به دانشگاه ما تشریف می‌آوردند و طی یکسال و نیم، این کار پرمشغله انجام شد و نسخه نهایی آن را برای کارگروه رشته حسابداری در وزارت علوم فرستادیم که با تأسف با پاسخ یک‌جمله‌ای ایشان این کار همان جا مسکوت ماند. این پاسخ به زحمت یکسال و نیم و تیمی حدود ۴۰ نفر از استادان که درگیر این کار این بودند، از این قرار بود: «از آنجا که سیاست وزارت علوم این است که گرایشها از مقطع کارشناسی حذف شود و به مقطع کارشناسی ارشد انتقال یابد، لذا این سرفصلهای بروزرسانی شده، موضوعیت ندارد.» جالب است که بدانید از زمانی که این پاسخ به ما داده شده تا الان یعنی ۳ سال بعد از این ماجرا، دانشگاه ما کماکان در حال پذیرش دانشجو در گرایشهای حسابرسی، مالیاتی و دولتی در مقطع کارشناسی است.

کار دیگری که انجام شد تعریف و راه‌اندازی رشته جدید و به‌شدت مورد نیاز صنعت، به نام رشته «حسابداری مدیریت» است که این کار نیز ابتدا با همکاری بنده و آقای دکتر توکلی (از دانشگاه صنعت نفت تهران) انجام شد و بعدها هم دانشگاه علامه طباطبایی برنامه‌ای ارائه داد که هر دو برنامه برای وزارت علوم ارسال گردید که البته باز شاهد اتفاقاتی ناگواری شدیم که مطرح کردنشان در اینجا مناسب نیست. به هر روی، بحمد الله این رشته نیز با پیگیری و همت شایان تقدیر جناب آقای دکتر رهنمای رودپشتی به تصویب وزارت علوم رسید و چند ترمی است که دانشگاهها در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرند.

از دیگر اقدامهایی که به یاری خداوند تاکنون برای پیشرفت بیشتر در رشته حسابداری انجام داده‌ایم، تألیف دو کتاب در این رشته بوده است: کتاب اول «اصول حسابداری ۱» با دیدگاه اخلاقی» و کتاب دوم «روش تحقیق در حسابداری: راهنمای عملی برای نگارش پایان‌نامه و مقاله» که هر دو با هدف پوشش دادن فاصله‌های خالی آموزشی فعلی در رشته حسابداری تألیف شده‌اند که انشاء الله مفید واقع شوند. آخرین اقدامی که به‌تازگی کلید خورده است، راه‌اندازی مجله «دستاوردهای حسابداری ارزشی و رفتاری» است که در

که حسابداری، در آنها پیشرفت بیشتری دارد می‌بینیم هر دانشگاهی برای خود یک بیانیه مأموریت دارد و در راه رسیدن به آن بیانیه مأموریت سرفصلها و برنامه‌های درسی خود را تنظیم می‌کند. لازم است اگر به‌راستی به دنبال پیشرفت و توسعه علمی و عملی حسابداری هستیم، از این مهم خودداری و جلوگیری نکنیم.

### حسابداری

**شما در زمینه اخلاق فعالیت‌های ویژه‌ای را در دانشگاه پیگیری کرده‌اید؛ دانشجویان حسابداری چه نیازی به فراگیری اخلاق دارند و آموزش اخلاق به حسابداران چه آثاری برای جامعه دارد؟**

### دکتر دیانتی

این واقعیت مهمی است که حسابداران، متخصصان حرفه‌ای هستند که به دلیل حساسیت مشاغلی که بر عهده دارند باید همانند پزشکان پایبند به آیین رفتار حرفه‌ای<sup>۱</sup> باشند. در حال حاضر در سراسر جهان و حتی در کشورهایی همچون امریکا و انگلیس توجه به امر آموزش اخلاق در دروس حسابداری آنقدر زیاد شده است که کمیته‌ای با عنوان هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری<sup>۲</sup> که زیرمجموعه فدراسیون بین‌المللی حسابداران<sup>۳</sup> است، نسبت به تدوین استانداردی به منظور آموزش اخلاق در مباحث درسی حسابداری اقدام کرده است.

اگرچه در کشور ما بر روی اعتقادات کار شده است، اما ضروریست که به‌وسیله آموزش و تمرین، مباحث اخلاقی از ذهنیت افراد به باور و یقین آنها مبدل شود و در عمل آنها نمود پیدا کند؛ درست مانند کشور ژاپن که آموزه‌های اعتقادی یک فرد ژاپنی مبدل به باور عملیش شده است که باید هر روزش بهتر از دیروزش باشد و این باور را در لحظه لحظه زندگی‌اش پیاده می‌کند، شاید به همین دلیل است که تولیدات ژاپنی دارای بالاترین کیفیتها هستند.

برای نمونه عرض می‌کنم، شاید یک فرد در جامعه ما بارها آیه قران کریم به گوشش رسیده باشد: "حق را با باطل مخلوط نکنید، و حقیقت را با این‌که می‌دانید، پنهان نکنید"<sup>۴</sup>، اما مهم این است که وقتی این شخص می‌خواهد گزارشهای مالی یا حسابرسی یا مالیاتی تهیه کند، این اعتقاد او نیز به عمل

## ضروری است که

### به‌وسیله

### آموزش و تمرین

### مباحث اخلاقی

### از ذهنیت افراد به

### باور و یقین آنها

### تبدیل شود و

### در عمل آنها نمود

### پیدا کند

نظارتی داشته باشد و این اختیار را به دانشگاهها بدهد که دستکم سرفصلهای درسی تخصصی مختص خود داشته باشند؛ زیرا تاریخ نشان داده است که وزارت علوم در امر به‌روزرسانی سرفصلهای درسی تأخیر طولانی داشته و انحصار توسعه، ارتقا، و به‌روزرسانی و هر نوع تصمیم‌گیری درخصوص رشته‌های دانشگاهی به کمیته‌هایی که برخی اعضای آن گاهی دغدغه‌هایی غیر از مباحث علمی و دانشگاهی دارند، کوتاهی نابخشودنی است (البته اگر بتوان نام آن را کوتاهی گذاشت). همان‌گونه که در کشورهایی

## در کار حرفه‌ای

## دنباله‌روی سیستم‌های

## سنتی ناکارآمد

## نباشید و

## طرحی نو در اندازید که

## کشور ما به چنین افرادی

## با چنین قابلیت‌هایی

## سخت نیازمند

## است

چیز خواهد بود و اخلاقیات در نزد محاسبه‌های افراد مکانی ناچیز خواهد داشت و نتیجه امر همان چیزی می‌شود که برای انرون و شرکت‌های دیگر رخ داده است.

بنابراین لازم است انسانها به خصوص آنهایی که دارای سمت‌های بالاتری در واحدهای اقتصادی هستند مانند هیئت‌مدیره، مدیرعامل، مدیران مالی، حساب‌رسان و ... اسیر خودخواهی، مال‌پرستی، ثروت‌اندوزی و حرص و طمع نشوند؛ زیرا این کار نتیجه‌ای ندارد جز به نابودی کشیدن شرکتشان، سهامدارانشان و صد البته خودشان.

در آید. متأسفانه سیستم آموزشی ما به این سمت نرفته است و تاکنون در کتابهای آموزشی در ایران، مبحث اخلاق به صورت مصداقی و پررنگ وارد نشده است.

این‌که آموزش اخلاق چه تأثیری بر جامعه می‌تواند داشته باشد، پاسخش را می‌توانیم از واقعه معروف شرکت انرون (Enron) و نیز مؤسسه حسابرسی آرتور آندرسن (Arthur Andersen) (یکی از پنج مؤسسه بزرگ حسابرسی جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی) متوجه شد که سالهای زیادی سمت مشاور شرکت انرون را داشت. آندرسن در ایجاد بعضی از معامله‌های واحدهای دارای مقاصد خاص که تنها ابزاری برای سودسازی بودند، دخالت داشت و در انعکاس افشای ناقص اطلاعات از سوی انرون و گزارش آن به کمیته حسابرسی کوتاهی کرده بود. همچنین بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به تقلبهای شرکت انرون را نیز نابود کرده بود. سقوط انرون نه تنها در امریکا بلکه در سراسر دنیا، زنگ خطری را برای سرمایه‌گذاران به صدا درآورد و موجب کاهش اعتماد عمومی نسبت به بازار اوراق بهادار شد.

این سقوط، در امریکا پیامدهای مختلفی به همراه داشت که برای حرفه حسابداری سرنوشت‌ساز بود. کنگره امریکا برای بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران، قانون ساربنز-آکسلی (Sarbanes-Oxley) را در سال ۲۰۰۲ تصویب کرد که تبعات گسترده‌ای بر گزارشگری مالی شرکتها دارد. به موجب این قانون، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (PCAOB) تشکیل شده است. افزون بر تصویب قانون ساربنز-آکسلی، استادان و صاحب‌نظران قوانین تجارت، رسوایی انرون را گواهی بر ضرورت آموزش قوانین کار و همچنین اصول اخلاقی آن در دروس دانشگاهی مقطع کارشناسی و حتی بالاتر می‌دانند.

بی‌گمان این موضوع به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده رفتار اخلاقی در حسابداران باشد. ایدئولوژی و باورهای فکری افراد و فرهنگ جامعه است که طرز تفکر و در نهایت اعمال انسانها را شکل می‌دهد. در فرهنگی که جامعه و تئوریهای اقتصادی بر پایه این فرض استوار است که انسان مخلوقی است که به دنبال بالا بردن سود و منافع و رفاه شخصی خود (بیش از همه پول و مقام) است، در چنین تفکری تنها پول، محور همه

بی‌تعارف بسیاری از آنها هیچ ارزشی ندارند و حتی اشتباه‌های بسیاری نیز در آنها دیده می‌شود که جای تأسف دارد.

تأسف بیشتر را هم موقعی باید ابراز کرد که گاهی دیده شده برخی به خود زحمت ایرانیزه کردن مقاله‌های خارجی را هم نمی‌دهند، بلکه تنها آن را ترجمه کرده و با همان جدول‌های آماری و همان اعداد به نام مقاله علمی پژوهشی، در به‌ظاهر معتبرترین مجله‌های علمی پژوهشی داخلی به چاپ می‌رسانند و موارد دیگر که همه به گوشمان خورده است.

پیشنهادی که دارم این است که هر مقاله‌ای به این راحتی‌ها در مجله‌های علمی پژوهشی چاپ نشود. در کشورهای پیشرفته روال سختگیرانه‌ای برای چاپ مقاله‌ها در مجله‌های معتبر علمی وجود دارد و آن هم این است که هر مقاله باید دستکم در یک همایش بین‌المللی حسابداری ارائه شده باشد و بعد برای مجله ارسال شود. دلیل گذاشتن این شرط این است که همایش‌هایی که در کشورهای دیگر برگزار می‌شود، همانند برخی از همایش‌های ما نیست که تنها جنبه دید و بازدید دوستان و گرفتن گواهی حضور در همایش را دارد، بلکه در همایش‌های معتبر خارجی، مقاله‌های متناسب هر موضوع در عرصه‌هایی که قوی‌ترین استادان جهان در آن حوزه کار کرده‌اند، ارائه می‌شوند و این استادان ایرادهای مقاله را مطرح می‌کنند و حتی پیشنهادهای ارزنده‌ای در جهت بهبود آن می‌دهند تا محقق در آینده آنها را اعمال کند. بدیهی است در چنین شرایطی مقاله‌ای که برای مجله‌ها ارسال می‌شود، چکش‌کاری شده است و ایرادهای اساسی‌اش برطرف شده و دستکم ویژگی‌های ارائه به این مجله‌ها را دارد.

حتی مرکزهای اطلاع‌رسانی اینترنتی مانند **اس‌اس‌آران** (SSRN) وجود دارد تا پژوهشگران مقاله‌های خود را در این مرکزهای اینترنتی در منظر دید عموم صاحب‌نظران قرار دهند و نظرهای ایشان را در کار خود اعمال کنند و بعد برای مجله‌های معتبر ارسال کنند. البته خوبی این چنین مرکزهای اینترنتی این است که جلوی دوباره‌کاری پژوهشگران دیگر نیز گرفته می‌شود؛ مشکلی که هم‌اکنون در برخی پایان‌نامه‌های ایرانی دیده می‌شود که در یک زمان چند دانشجو در دانشگاه‌های مختلف روی یک موضوع کار

## سایر

**وضعیت پژوهش‌های دانشگاهی چگونه است و آیا تاکنون پژوهش‌های دانشگاهی به پیشرفت علمی و حرفه‌ای رشته حسابداری کمک کرده است؟ می‌توانید از چند مورد مشخص نام ببرید.**

### دکتر دیانتی

وضعیت پژوهش‌های دانشگاهی هم خوب است و هم بد؛ بستگی دارد به شیوه انجام آنها. در همه دنیا سرعت علمی رخ می‌دهد، از اینرو نرم‌افزارهایی تعبیه شده که می‌توانند میزان همپوشانی مقاله‌ها و پایان‌نامه را شناسایی کنند. هنوز این نرم‌افزارها به صورت گسترده در اختیار تمامی استادان در ایران قرار نگرفته است. از طرف دیگر، از دلایل اساسی که گاهی باعث ضعف در تحقیقات حسابداری شده، کمبود بودجه‌های پژوهشی، حمایت نکردن از تحقیقاتی دانشگاهی، تغییرهای مدیریت، و سرانجام این است که برخی استادان به دلیل مشغله‌های غیردانشگاهی دغدغه‌ای برای تحقیق ندارند و در هدایت پایان‌نامه‌ها کوتاهی می‌کنند و از طرف دیگر برخی دانشجویان انگیزه علمی برای ادامه تحصیل ندارند و مدرک‌گرایی بر پژوهش سایه‌ای سیاه انداخته است و همین باعث می‌شود دانشجویان برای یافتن موضوع و نگارش پایان‌نامه و مقاله دست به دامن دلالتان شوند و کارهای نازلی ارائه دهند.

نبود ساختار نظام‌مند و درخت‌واره تحقیق و ابزاری که تحقیقات را به هم منسجم و در راستای یک هدف کلان به هم مرتبط سازد، ضعف دیگری است که در تحقیقات حسابداری به چشم می‌خورد و دیده می‌شود. برخی استادان و دانشجویان برای سهولت کار، یک مقاله خارجی را انتخاب و به اصطلاح ایرانیزه می‌کنند، غافل از این که این مقاله خارجی تکه‌ای از پازلی بوده است که محقق خارجی در پازل خودش تعریف کرده و هدفمند در راستای رسیدن به یک خروجی بزرگتر، آن را انجام داده است.

آن وقت ما بی‌توجه به این ارتباطها تنها یک حلقه از این تحقیق را گرفته‌ایم و سرخوشیم که پژوهشی علمی انجام داده‌ایم و گاهی آن را در مجله‌های علمی پژوهشی نیز به چاپ می‌رسانیم و این روال عادی تحقیقات حسابداری ما شده که

می‌کنند (به دلیل این که یک مقاله خارجی را مبنای کار خود قرار داده‌اند).

از اینها که بگذریم، اجازه می‌خواهم اینجا پیشنهادی نیز به سازمان حسابداری و به خصوص کمیته تدوین استانداردهای حسابداری داشته باشم؛ با تشکر از زحمتهای ارزنده تمامی این عزیزان که بزرگترین دستاورد آن سازماندهی و نظام‌بخشی به رویه‌های حسابداری واحدهای اقتصادی کشور بوده است، پیشنهاد می‌کنم از دانشگاهها برای پژوهش در خصوص استانداردهایی که هنوز تدوین نشده‌اند یا تدوین شده‌اند و نقطه‌ضعفهایی دارند، استفاده کنند. این کار متفاوت با رویه نظرخواهی فعلی است که به وسیله سازمان حسابداری در حال اجرا شدن است و می‌شنویم که خیلی هم مورد استقبال افراد دانشگاهی و حتی حرفه‌ای نیز واقع نشده است.

واقعیت این است که ساختار اقتصادی، نظام اعتقادی و فرهنگی، و مراوده‌های اجتماعی کشورهای پیشرو در زمینه تدوین استانداردها، گاهی با کشور اسلامی ما ۱۸۰ درجه مغایرت دارد و می‌تواند در کنار ترجمه استانداردهای خارجی و لحاظ کردن موارد قانونی کشورمان، به باورهای دینی و اعتقادی و دیگر مباحث نیز توجه ویژه شود و این امر را سازمان حسابداری به تنهایی نمی‌تواند پیش ببرد و نیاز به استفاده از پتانسیل دانشگاهها و جهت دادن به تحقیقهای دانشگاهی برای این مهم است؛ این کار نیز محقق نمی‌شود مگر با اختصاص بودجه پژوهشی مناسب برای این امر و صرف زمان مناسب و در نظر گرفتن همه جهت‌ها در چنین طرحهایی.

در پاسخ به این پرسش که آیا تاکنون پژوهشهای دانشگاهی به پیشرفت علمی و حرفه‌ای رشته حسابداری کمک کرده است، باید عرض کنم که خوشبختانه استادانی هستند که با وجود همه این مشکلات، باز هم با پژوهشهای خود سعی در رفع مشکل‌های اساسی مرتبط با حسابداری کشور دارند که برای نمونه می‌توان به تحقیقهای استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر باباجانی اشاره کرد و مدل حسابداری چندسطحی که برای بخش عمومی ارائه داده‌اند؛ که به نظر من در دنیا بی‌نظیر است. همچنین کارهای ارزشمند دیگری که در نهادهای

مختلف از جمله شهرداری‌ها و دانشگاهها و ... انجام داده‌اند، مثال زدنی می‌باشد، یا تحقیقهایی که استاد گرانقدر آقای دکتر نمازی در خصوص حسابداری مدیریت و هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت در سازمانها و نهادهای مختلف انجام داده‌اند و هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت عملکرده محور که برای اولین بار از سوی ایشان مطرح شده است، نمونه‌هایی از کارهای ارزنده‌ای است که پژوهشگران ایرانی در رشته حسابداری انجام داده‌اند و اینجانب از آنها مطلع هستم و بی‌گمان موارد دیگری نیز وجود دارد که این حقیر از آنها اطلاع ندارم.

در پایان اجازه می‌خواهم به دانشجویان رشته حسابداری توصیه‌ای داشته باشم و آن این است که دانشجویان عزیز در ابتدا برای زندگی خودشان هدف قائل شوند، زیرا اگر هدف نداشته باشیم دارایی‌گرانیهای عمر محدود خود را به‌گونه‌ای می‌گذرانیم که در نهایت آن را تلف شده و زیان دیده خواهیم یافت؛ اما اگر هدف خودمان را والا انتخاب کنیم، آن وقت نه تنها درس خواندن و کار کردنمان، بلکه ثابتهایمان، سود خواهد بود و سودمند.

سعی کنید به سهم خودتان به علم حسابداری، چیزی فراتر از آنچه گذشتگان نشان افزوده‌اند، بیفزایید و در کار حرفه‌ای خود نیز دنباله‌روی سیستمهای سنتی ناکارآمد نباشید و طرحی نو در اندازید که کشور ما به افرادی با چنین قابلیت‌هایی سخت نیازمند است و در این راه نیز از ناملایمی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و سختی‌هایی که بی‌گمان در انتظارتان است نهراسید و ثابت قدم باشید.

## سازمان

از این که در این گفتگو حرف دلتان را زدید سپاسگزاریم.

آن چه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

## پانوشته‌ها:

- 1- Code of Ethics
  - 2- The International Accounting Education Standards Board (IAESB)
  - 3- International Federation of Accountants (IFAC)
- ۴ - وَ لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۴۲)